



یازخوانی زندگانی آیت‌الله قاضی

رئیس پژوهشکده دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی زوایا و مختصات عرفانی مرحوم آیت‌الله قاضی را به مناسبت بیانات رهبر انقلاب به کنگره آیت‌الله قاضی مورد بررسی قرار داده است.

رئیس پژوهشکده دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی زوایا و مختصات عرفانی مرحوم آیت‌الله قاضی را به مناسبت بیانات رهبر انقلاب به کنگره آیت‌الله قاضی مورد بررسی قرار داده است.

به گزارش دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، کنگره بزرگداشت مرحوم آیت‌الله قاضی، فقیه و عارف برجسته‌ی معاصر، اخیراً در شهر تبریز برگزار و در آن، متن سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای ستاد این کنگره قرائت شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این سخنان اشاره کرده بودند که مرحوم آقای قاضی نه فقط برای علما و خواص الگوست بلکه می‌تواند الگوی عموم مردم نیز باشد.

حجت‌الاسلام محمدجواد رودگر، رئیس پژوهشکده‌ی دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در خصوص زوایا و مختصات عرفانی مرحوم آیت‌الله قاضی با دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتگویی را انجام داده است که به این شرح است:

نکته‌ی قابل توجه سخنان رهبر انقلاب در جمع اعضای ستاد کنگره‌ی بزرگداشت مرحوم آیت‌الله سید علی آقای قاضی، الگوبودن آن عالم ربانی علاوه بر خواص، برای عموم مردم و جامعه است. به نظر شما با توجه به مقام رفیع و ویژه‌ی مرحوم آقای قاضی در بین علما و عرفای شیعه، جنبه‌های الگوگیری از ایشان کدام است؟

الگو - همان‌طور که از نامش پیدا است- وقتی الگو است که به صورت تمام‌عیار و همه‌جانبه قابلیت پیروی و پیاده‌سازی در متن زندگی افراد و جامعه داشته باشد. یعنی مردم بتوانند آن را در همه‌ی ابعاد و ساحت‌ها سرمشق زندگی خود قرار دهند؛ چه در ساحت‌های عقلانی و مباحث مربوط به جهان‌بینی و منطق فکری و فلسفه‌ی حیات و چه در اخلاق و سلوک و معنویت و تربیت روحی و باطنی، و چه در مقوله‌ی اجتماعیات و تبعیت از احکام الهی و باید و نبایدهای دینی.

مرحوم آیت‌الله قاضی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه از آن‌جا که یک شخصیت تربیت‌یافته در مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام و تجلی‌گاه آموزه‌های وحیانی به شمار می‌رفت، از شخصیت جامعی برخوردار بود که هم برای خواص جامعه و هم برای توده‌ها و مجموعه‌ی آحاد مردم الگو بود.

چه ویژگی‌هایی در این شخصیت جامع وجود داشت که حتی امروزه هم می‌توان از آن الگو گرفت؟

یکی از ویژگی‌های بارز ایشان که در اثر مجاهدت و ریاضت‌های علمی بود، یافتن این توفیق بود که توانست یک اسلام‌شناس و عالم دین و فقیه متأله و متبحری بشود و به «#تفقه در دین» جامه‌ی عمل پوشاند؛ یعنی همان تفقه مورد اشاره‌ی آیه‌ی 122 سوره‌ی توبه¹ که عبارت است از تفقه در دین به معنی فهم عمیق، دقیق، همه‌جانبه و فراگیر در مجموعه‌ی دین، هم در اصول و مبانی و اعتقادات و هم در اخلاقیات و معنویات و هم در شرعیات و احکام دینی.

یک شخصیت این‌چنینی در حد بسیار اعلا توانست از یک موقعیت ممتاز علمی برخوردار باشد و مدرّس خوبی در حوزه‌های مختلف دینی اعم از فقهی و اصولی و همین‌طور فلسفه و حکمت و کلام و عرفان و اخلاق و تربیت و سلوک باشد. چنین شخصیتی یقیناً می‌تواند یک الگوی مناسب برای کسانی باشد که می‌خواهند در مسیر مستقیم سلوک علمی و عملی قرار بگیرند. مرحوم علامه‌ی طباطبایی گفته بودند که هرچه دارم، از میرزاعلی آقای قاضی است. این «#هرچه دارم» فقط در حوزه‌ی معنویت و آن کرامات

وجودی به معنی سلوک عرفانی نیست، در حوزه‌های علمی هم هست. حتی بعضی بزرگان گفته‌اند که مرحوم علامه‌ی طباطبایی این «روش تفسیر قرآن به قرآن» را نیز با الهام از روش تفسیری مرحوم قاضی توانست تحقق ببخشد.

راجع به مباحث علمی که اشاره کردید، شنیده شده شرط حضور شاگردان در مباحث اخلاقی و عرفانی ایشان، اجتهاد بوده است.

بله، شرط بوده که یا مجتهد باشند یا قریب‌الاجتهاد. ایشان معتقد بودند اگر کسی در وادی سیر و سلوک می‌آید، باید به دستورهای دینی و اخلاقی و مواظب‌الشراف داشته باشد و عمل کند تا بتواند در یک جای ویژه‌ای قرار بگیرد. وقتی فردی «سالک الی الله» می‌شود و این مسیر را طی می‌کند، این مسیر بسیار خطیر و خطرناک است و مسیر آسانی نیست. این‌جا اگر افراد از معرفت دینی درست و دقیقی برخوردار نباشند و اجتهاد در حوزه‌ی شریعت اسلامی نداشته باشند، چه‌بسا گرفتار لغزش‌های سخت و سنگینی بشوند.

از طرف دیگر مباحث عرفانی، یک معارف ثقیل و سنگین علمی و عملی است. افراد اگر اجتهاد دینی نداشته باشند، در این راه و در دیدن منازل سلوکی و کشف و شهودی که برایشان واقع می‌شود و در الهاماتی که پیش می‌آید، ممکن است دچار تلبسات ابلیسی و توهمات و تخیلات بشوند و گرفتار گردند، چون هر منزلی برای خود یک دنیایی دارد و این افراد اگر واقعاً با شریعت مبین اسلام آشنا نباشند، گرفتار خواهند شد.

مرحوم آقای قاضی یک سر سوزن از انجام واجبات و ترک محرمات، از انجام مستحبات و ترک مکروهات خارج نمی‌شد و از بعضی جریان‌های تصوف انحرافی و عرفان‌نمایان و عارف‌نمایی مبرا بود که قائلند انسان از یک جایی نیاز به شریعت ندارد. ایشان بر اساس شریعت عمل می‌کرد؛ چه در حدوث حقایق سلوکی و چه در بقاء حقایق سلوکی.

مکتب تربیتی و عرفانی مرحوم آقای قاضی چگونه است و مهم‌ترین ویژگی‌های آن چیست؟

مکتب تربیتی مرحوم آقای قاضی در حوزه‌ی سلوک عرفانی و معنوی، مکتب برگرفته از کتاب و سنت بود. ایشان یکی از نمایندگان مکتب عرفانی تشیع به حساب می‌آمد و حقیقتاً ترجمان عرفان و حیانی یا قرآنی و اهل‌بیتی بود. عرفان و حیانی، عرفان زندگی است، عرفان زندگی‌ساز است و نه عرفان زندگی‌سوز. عرفان زندگی‌گرا است و نه زندگی‌گریز. عرفانی است که با فرهنگ و تمدن و سیاست و تدبیر صحیح جامعه بیگانه نیست و از آن طرف عرفانی است که با ظلم و فساد و نظام‌های سلطه درگیر است. یک عرفان درونگرا نیست که افراد را فارغ از مسئولیت‌های اجتماعی و تعهداتی تربیت کند که نسبت به حیات اجتماعی دارند.

اگر بخواهیم به دنبال مصادیق این بحث باشیم، آیا مصداق‌هایی در حیات ایشان سراغ داریم که این جلوه از عرفان شیعی را به نمایش گذاشته باشد؟

بله، مراقبه‌های معنوی ایشان در حوزه‌های سلوکی و تربیتی بسیار قابل توجه است. ایشان در عین حالی که خودشان به لحاظ اقتصادی یک زندگی سخت و دشواری داشتند، اما با فقرا و محرومان و مستضعفان جامعه در ارتباط بودند و از آنها دستگیری می‌کردند. کارگشایی می‌کردند و به حوائج مردم توجه و با مردم تعامل داشتند. این نکته‌ی مهمی بود که مرحوم قاضی در زندگی خود داشتند. ایشان از استادان بزرگ خودشان الهام گرفته بود و این‌گونه تربیت شده بود؛ مثل مرحوم سید احمد کرلایی، شیخ محمد بهاری همدانی و هم همین‌طور از امثال مرحوم ملاحسین قاضی همدانی تا سید علی شوشتری و دیگران که همه‌ی از مردان بزرگ مکتب عرفانی شیعی و اهل‌بیتی بودند.

مرحوم قاضی همچنین در متن مسائل اجتماعی و سیاسی بود و آگاهی کامل به زمانه داشت. همچنین ایشان برای خودش ذکرهایی داشت. حتی جایی آورده‌اند که دهی سوم ماه مبارک رمضان حال و هوای خاص خود را داشت و یک رازهایی داشت که کسی به آن رازها پی نبرد. همه‌ی کارها را طوری تنظیم می‌کرد که نمازهای اول وقت و نماز جماعت برقرار باشد. دائماً با افراد مختلف جامعه در

منطق عرفانی شخصیت‌هایی همچون مرحوم قاضی بر اساس آیه‌ی 37 سوره‌ی نور شکل و شاکله یافته است: «رجالٌ لا تلهيهم تجارةٌ ولا بيعٌ عن ذكر الله» مردان خدا، اولیاء الهی و عالمان ربانی، مردانی هستند که در عین حالی که اهل تجارت و سیاست هستند، حوزه می‌روند، دانشگاه می‌روند، خانه می‌روند، خیابان می‌روند، منزل می‌روند، مزرعه می‌روند، کارخانه می‌روند و همه‌جا حضور دارند، ولی در همان حال کسانی هستند که همواره به یاد خدا هستند. افراد اگر این کارها را در راه خدا و انگیزه‌ی الهی و قیام لله انجام بدهند، همه‌ی همین‌ها مظهر و مصداق ذکر الله است و این نکته‌ای بسیار بنیادین و اساسی است.

در خصوص دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی که اشاره کردید، ظاهراً حضرت امام خمینی هم دیدار پر رمز و رازی در نجف با ایشان داشتند. درست است؟

بله، در آن دیدار مرحوم قاضی با ظرافت خاصی به حوادث ایران و جریان استبداد و نظام حاکم بر ایران اشاره کردند و این را که نظام باید برچیده شود و یک نظام عادلانه جایگزین آن گردد. طرح این موضوع با مرحوم امام به این منزله است که حضرت آقای قاضی نسبت به جامعه‌ی خود و جامعه‌ی ایران آگاهی داشتند.

عده‌ای از دانشجویان را خدمت مرحوم آیت‌الله بهجت بردیم. از ایشان مطالبه شد که دانشجویان می‌خواهند شما نصیحتی داشته باشید. فرمودند به این‌ها بگویید به آن‌چه که می‌دانند، عمل کنند، خدا روزی فهم و دانستن آن‌چه را که نمی‌دانند نیز به آنها خواهد داد.

تاکنون دو ویژگی مربوط به مرحوم آقای قاضی را بیان کردید؛ یکی تلاش والای علمی آن بزرگوار و دیگری منطق عرفانی ایشان که در متن زندگیشان بوده است. درباره‌ی ویژگی‌های دیگر ایشان چه می‌توان گفت؟

از دیگر ویژگی‌های مرحوم قاضی که به نظرم باید برای همگان سرمشق و سرلوحه قرار بگیرد، این بود که بر اساس شریعت عمل می‌کرد. ایشان هیچ چیزی خارج از شریعت نداشت و از بعضی جریان‌های تصوف انحرافی و عرفان‌نمایان و عارف‌نمایی مبرا بود که قائلند انسان از یک جایی نیاز به شریعت ندارد و امثال این موارد که خود قصه‌ی پرغصه‌ای در حوزه‌ی معنویت است. ایشان بر اساس شریعت عمل می‌کرد؛ چه در حدوث حقایق سلوکی و چه در بقاء حقایق سلوکی.

مرحوم آقای قاضی یک سر سوزن از انجام واجبات و ترک محرمات، از انجام مستحبات و ترک مکروهات خارج نمی‌شد. همه‌ی دستورهای عملی ایشان هم بر اساس شریعت بوده است. شریعت نیز سالک را در هیچ جایی رها نمی‌کند و او را تنها نمی‌گذارد. این‌جور نیست که سالک در یک جایی به شریعت مراجعه کند و نتواند دستور سلوکی خودش را از شریعت دریافت کند. چنین چیزی اصلاً امکان ندارد و این نکته‌ی مهم عرفان و سلوک است که «شریعت، خط قرمز سلوک صادق از سلوک کاذب است.»

ویژگی دیگر مرحوم سیدعلی آقای قاضی، ولایت‌گرایی و امامت‌محوری ایشان بوده است. این هم نکته‌ای بسیار ظریف و حساس است که اگر کسی می‌خواهد سیر و سلوک کند، باید واقعاً پا جای پای امام خودش و ولی مطلق و حجة‌الله و خلیفة‌الله بگذارد و در آن مسیر باشد. اساساً با واسطه‌ی آنها است که افراد می‌توانند حجاب‌ها را کنار بزنند و به حقایق وجودی برسند. در این صورت محبت افراد و سلوک و نماز و روزه و مناجات آنها و حتی سیاست و تجارت آنان «ولائی» خواهد بود و ولایت چتر گسترده‌ای است که همه‌ی اضلاع و اجزای زندگی یک سالک را تحت پوشش قرار می‌دهد. سالک در واقع چشم به امام می‌دوزد و نگاه می‌کند که ولی او چه گفته تا همان را عمل کند.

کسی که بر اساس خط امامت و ولایت عمل کند، گرفتار انحراف‌ها و خبط‌ها و خطاها و بدعت‌ها نخواهد شد، بلکه مثل سلمان فارسی‌ها و ابوذر غفاری‌ها و میثم تمّارها و کمیل زیاد نخعی‌ها عمل می‌کند. امثال مرحوم آقای قاضی از همین بزرگان یاد گرفته‌اند که

چگونه در مقام سیر و سلوکشان در خط نبوت و رسالت و در خط امامت و ولایت قرار بگیرند. این جور نیست که سیر و سلوک جدای از مقوله‌ی امامت باشد. مرحوم علامه‌ی طباطبایی که خود از شاگردان مرحوم آقای قاضی بود، در کتاب «#شیعیه در اسلام» - که مجموعه‌ی مکاتبات و محاضرات و مراسلات ایشان است با هانری گرین فرانسوی - می‌فرماید که امامت در شیعیه سه شأن دارد؛ عقیدتی، باطنی و سیاسی. یعنی امام علاوه بر ارائه‌ی منطق فکری درست به جامعه و اداره‌ی جامعه، به هدایت باطنی نیز اهتمام دارد و عرفان ولایی یعنی همین. مرحوم آقای قاضی این‌چنین بودند.

ما برای مواجهه و مقابله با عرفان‌های کاذب چگونه می‌توانیم از شخصیت‌هایی همچون مرحوم قاضی بهره ببریم؟

ما با عرفان‌ها و معنویت‌های نوظهور و کاذب دو گونه می‌توانیم برخورد کنیم؛ یکی برخورد سلبی و یکی ایجابی. جنبه‌ی سلبی آن است که این عرفان‌ها را نقد کنیم. البته اینها «#عرفان» نیستند و واژه‌ی عرفان برای آنها به سرقت رفته است. در واقع معنی عرفان به لحاظ ماهوی ترور شده است. خیلی از این جریان‌ها و جنبش‌هایی که هیچ سنخیتی با عرفان ندارند، متأسفانه موسوم و موصوف به عرفان شده است. به هر حال گاهی کتاب‌ها و روش‌ها و مبانی این‌ها را نقد می‌کنیم که می‌شود کار سلبی.

یک برخورد دیگر هم ایجابی و اثباتی است. یعنی باید داشته‌های خودمان را در اختیار و در دسترس نسل جوان قرار دهیم. ما از فرهنگ عرفانی بسیار غنی و قوی و معنوی برخورداریم و باید بتوانیم آن را با ادبیاتی نوآمد و به زبان زمانه و در قالب‌های هنری و ادبی در اختیار مخاطبان قرار دهیم تا مصداق این نشویم که «#آن‌چه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد». ما غنی‌ترین معارف معنوی را داریم که از هر جهتی می‌تواند فرد را به کمال، به آرامش و به مقام رضایت برساند و او را به شادی‌ها و شادابی‌ها و ابتهاج و انبساط روحی و درونی نائل آورد. مرحوم آقای قاضی در این جهت می‌تواند به عنوان یک الگوی ایجابی در برابر عرفان‌های انحرافی قرار بگیرد.

رهبر انقلاب: یکی از برنامه‌ها این است که عرفان‌های کاذب را در داخل دانشگاه‌ها رخنه دهند... اگر کسی اسیر و دچار این بافته‌های بی‌اصل و اساس عرفان‌های کاذب شود واقعاً او را فلج میکند. معیاری که ما برای تحرک به سمت علو معنوی و روحی و تقرب به خدا داریم، تقواست، پرهیزگاری است، پاکدامنی است. (دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی)

ما اگر حقیقتاً به دنبال عرفان و حقیقتاً در پی تعالی معنوی و خروج از این عالم ماده و طبیعت و عالم ناسوت و ورود و اتصال به عالم ملکوت هستیم، باید به قول بزرگان: «#راه چنان رویم که رهروان رفتند». این راه معلوم است و رهروان و راهنماهایی دارد؛ چه در میان معصومین، از پیامبر عظیم‌الشأن اسلام تا عترت طاهره‌ی ایشان، و چه چهره‌های عرفانی و اصحاب عرفانی و عالمان عارف که راه این‌ها هم روشن و شفاف است. مرحوم آقای قاضی یک عارف به معنی واقعی کلمه بودند.

رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات خود برای کنگره‌ی بزرگداشت مرحوم قاضی و هم در فرمایش‌هایشان در جمع جوانان، دغدغه‌های خود را در خصوص عرفان‌های کاذب عنوان کردند. البته بحث ایشان ناظر به عرفان عملی است و نه عرفان نظری. این‌ها نیاز به سلوک عملی و عرفان عملی دارند که مبتنی بر تقوا است و مبتنی بر عبودیت و بندگی. مبتنی بر همین احکام و شریعت اسلامی است که در همه‌ی توضیح‌المسائل‌ها آمده و مبتنی بر دعا و نیایش در کتاب‌های دعایی است که در مفاتیح‌الجنان و دیگر کتب ادعیه و مناجات آمده است. الحمدلله کتاب‌های خوبی مانند المراقبات مرحوم میرزا جوادآقا ملکی تبریزی و مواردی از این قبیل در دسترس همگان است. لذا چه به لحاظ دستورهای درست عملی برای سلوک در مراحل اولیه‌ی عرفانی و معنوی چیزی کم نداریم و همه می‌توانند استفاده کنند و چه در الگوهای رفتاری و سلوکی مثل مرحوم میرزا علی آقای قاضی و شاگردان ایشان مانند علامه‌ی طباطبایی و آیت‌الله بهجت.

عده‌ای از دانشجویان را خدمت مرحوم آیت‌الله بهجت بردیم. از ایشان مطالبه شد که دانشجویان می‌خواهند شما نصیحتی داشته باشید. فرمودند به این‌ها بگویید به آن‌چه که می‌دانند، عمل کنند، خدا روزی فهم و دانستن آن‌چه را که نمی‌دانند نیز به آنها خواهد داد. خدمت آیت‌الله حسن‌زاده آملی هم بودیم. از سیر و سلوک سؤال شد. فرمودند سه عنصر را در نظر بگیرید: از محرّمات اجتناب کردن، واجبات الهی را در حد میسر انجام دادن و روزی حلال به دست آوردن. این‌ها زیربنای سیر و سلوک معنوی است. پس راه، معلوم است و خود ما می‌دانیم که مثلاً غیبت‌کردن، تهمت‌زدن، زخم زبان، حسادت، کینه، حرام‌خواری و مواردی از این قبیل حرام

